

گفتنی‌ها، حاکم بر دولت‌ها بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران



عنوان: گفتنی‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: محمد علی حسین زاده

تهران: ۱۳۸۶

ناشر: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۷۲ صفحه

دکتر محمدرضا رسولی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتنا جامع علوم انسانی

را تحت عنوان الگوها و نظریه‌های مختلف توسعه مطرح کرده و به تحلیل آن می‌پردازد. همچنین به بررسی سیاست‌گذاری، فرآیند و مشکلات آن پرداخته و معتقد است اولاً: هر کدام از دولت‌های بعد از انقلاب تشخیص خاصی از مشکلات داشته‌اند. ثانیاً وضعیت آسبایی جامعه را متفاوت از همدیگر دیده و برای رسیدن به وضعیت مناسب راهکارهای مناسبی را ارائه داده‌اند. در مسئله‌شناسی اجتماعی نیز، تعریف مسئله‌ی اجتماعی، ابعاد و منابع تشخیص مسئله‌ی اجتماعی را همراه با الگوی نظری توماس اسپریگنیز بررسی می‌کند.

محقق در قسمت پایانی فصل اول از بخش اول دولت را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. وی به تعریف دولت و طبقه‌بندی آن پرداخته و پنج نظریه‌ی مهم در مورد دولت را از اندرو وینسنت که شامل نظریه‌های استبدادی، اخلاقی، طبقاتی، مصلحتی یا مطلقه

ساختار تحقیق پیش رو متشکل از دو بخش است؛ بخش اول؛ کلیات، شامل دو فصل که فصل اول مفاهیم و مباحث نظری و فصل دوم مبانی و کلیات روش است. بخش دوم شامل پنج فصل که چهار فصل آن به اهداف و برنامه‌های دولت‌های بعد از انقلاب اختصاص دارد و فصل پنجم به جمع‌بندی پرداخته شده است.

به نظر محقق این که آرمان‌های انقلاب اسلامی چه بوده است، چه اهدافی را دنبال می‌کرد، چه بخشی از آن محقق شده است و اهداف داخلی و خارجی آن، چه بوده است؟ موضوعاتی هستند که در چنین پژوهش‌هایی باید مشخص شود تا بتوان آنها را به عنوان معیار و میزان عملکرد جمهوری اسلامی، یعنی نظام برآمده از متن انقلاب اسلامی به شمار آورد. در این حال از بین اهداف چندگانه، سه هدف عمده‌ی توسعه‌ی سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت توسعه‌ی اقتصادی

مصلحتی و مشروطیت است مطرح می‌کند. همچنین نظریه‌های مربوط به ریشه‌ها، اشکال، عملکردها و گونه‌های دولت‌های جدید را که از آغاز تا به امروز شکل گرفته به ترتیب دولت مطلقه، مشروطه، لیبرال، ارشادی، رفاهی، نولیبرال بیان می‌کند. در آخر نظریه‌های مربوط به سرشت و جایگاه دولت را که شامل دولت هگلی، کارگزار و نماینده، مارکسی یا دولت زائد یا دولت طبقاتی، کارکردی و دولت خیالی است را از نظر می‌گذراند.

محقق اهداف و وظایف دولت در جامعه را وظایف سیاسی و اجتماعی دانسته و نقش دولت در امر توسعه را یکی از وظایف مهم می‌شمارد و کمال حکومت‌ها و دولت‌ها را در مشروعیت نمی‌داند. وی معتقد است علاوه بر آن‌ها باید به انجام کارهایی مهم از جمله توسعه نیز دست یابند.

محقق در پژوهش خود به بررسی دولت در جهان سوم و ایران و همین‌طور دولت در اندیشه‌های امام خمینی(ره) از نظر ماهیت، اهداف و وظایف می‌پردازد و دیدگاه امام خمینی(ره) را راجع به وظیفه‌ی دولت در مورد عدالت اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و معنویت و فرهنگ، بیان می‌کند.

نویسنده در فصل دوم، نوع پژوهش خود را تحلیل محتوا بیان کرده است و از دو نوع مقطعی و طولی صحبت می‌کند. وی اظهار می‌دارد که پژوهش حاضر تحلیل محتوا است که به صورت طولی انجام شده؛ به این صورت که تحلیل محتوای سخنرانی‌های سیاستمداران در خلال سال‌های بعد از انقلاب در مسیر حرکت اندیشه، بازشناسی شده است. در تعریف عملیاتی مفاهیم اصلی پژوهش مقولات و محورهای عمده‌ی آن، علامت اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی سیاسی است. جامعه‌ی آماری این بررسی عبارت است از: مجموعه‌ی سخنرانی‌ها، پیام‌ها و گفتارهای مسئولان دولت‌های بعد از انقلاب که از روزنامه‌ی اطلاعات به عنوان روزنامه‌ی رسمی کشور استفاده شده است.

محقق در بخش دوم پژوهش در فصل اول به بررسی دولت موقت بازرگان می‌پردازد و یکی از مهم‌ترین دلایل امام و شورای انقلاب را (که بازرگان؛ شایسته نخست وزیر بود)، سابقه‌ی وی در امور اجرایی، سیاسی و دینی می‌داند. همچنین مسئله‌ی اجتماعی دولت وی، یک مسئله‌ی اجتماعی بالفعل بود و آن، انقلابی‌گری نیروهای انقلاب بود که دولت موقت آنان را به افراط‌کاری متهم می‌ساخت.

در تحلیل صحبت‌های مهندس بازرگان ۵۱ درصد مضامین به مقوله‌ی میانه‌روی و محافظه‌کاری اختصاص دارد و به زعم نگارنده سقوط دولت بازرگان را باید در انحراف ایشان از اهداف اصلی انقلاب جست‌وجو کرد و این‌که مهم‌ترین هدف و دغدغه‌ی ایشان، جزء آرمان‌های انقلاب نبود.

محقق در فصل دوم به بررسی اهداف و برنامه‌های دولت مهندس

میرحسین موسوی می‌پردازد و معتقد است در این دوران که تأکید بر اصول و واژه‌های اسلامی انقلابی به اوج خود رسیده، تنها توسعه و تکامل انقلاب مطرح نیست و فقط اهداف و آرمان‌ها اصالت ندارد، بلکه هدف اصلی، گسترش اقتدار حاکمیت و نظام‌مند کردن جامعه است. در این دوره مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی دولت موسوی وجود شکاف‌های عمیق بین فقیر و غنی است و دغدغه‌ی او پیگیری آرمان عدالت اجتماعی است. وی برای حل مسئله‌ی عدالت اجتماعی، یک اقتصاد کنترلی و نظارتی را در نظر داشته و بر آن تأکید می‌کند. در جمع‌بندی عملکرد دولت آقای موسوی می‌توان گفت که سمت‌وسوی جهت‌گیری دولت وی، عدالت‌خواهانه و مردم‌گرایانه بوده است.

محقق در فصل سوم، اهداف و برنامه‌های دولت آیت‌الله‌هاشمی را بررسی کرده و دوران وی را دوران سازندگی و حرکت به سمت‌وسوی رشد و توسعه‌ی اقتصادی برای تأمین منافع ملی می‌داند، سپس این مسئله را بیان‌کننده‌ی رویکرد جدید دولت و جامعه از سیاست‌گذاری‌های نظام و خصوصی‌سازی به مثابه مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزی توسعه در آن جهت معرفی کرده و مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی دولت آقای‌هاشمی را نقد و عقب‌ماندگی و هدف دولت را، رسیدن به وضعیت مطلوب رفاه و آبادانی از طریق برنامه‌ها و سیاست‌های افزایش تولید و عمران بیان می‌کند.

محقق در فصل چهارم اهداف و برنامه‌های دولت خاتمی را بررسی کرده و مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی دولت وی را مقوله‌ی توسعه‌ی سیاسی می‌داند و بحران مشارکت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را مطرح می‌کند. او به تقدم توسعه‌ی سیاسی بر توسعه‌ی اقتصادی حداقل در عرصه‌ی عمل اعتقاد دارد. نویسنده عمده‌ترین برنامه‌ی اجتماعی دولت آقای خاتمی را رسیدن به جامعه‌ی مدنی و یا به قول خودشان «جامعه‌ی مدینه‌النبی» و حل مسائل اجتماعی بالا می‌داند. همچنین مهم‌ترین موانع بر سر راه دولت آقای خاتمی را موانع بر سر راه مردم سالاری در کشور دانسته است.

محقق در فصل پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آنچه در بخش‌ها و فصول قبل گفته شده، می‌پردازد.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت کتاب از نظر منابع و مأخذ بسیار پربار است، به طوری که مثلاً در تعریف یک واژه یا اصطلاح سیاسی، اجتماعی (مثلاً ایدئولوژی) از چندین نظریه استفاده می‌کند. کتاب با دست و دلبازی تمام سعی نموده از تمامی نظریاتی که به هر شکل با موضوع کتاب بستگی دارد استفاده نماید. به همین دلیل کتاب‌نامه و پاورقی بسیار فربه شده است، همین امر باعث شده تا اصطلاحات زیادی مورد بررسی قرار گیرند.